

قراردادهای موقت کارگری و پیامد های آن در زندگی کارگران!

امیرجوهری لنگرودی

بیست ششم اردیبهشت هشتاد و هفت



ILNA

Photo:Hamid Saeidi

در اول ماه مه سال ۱۳۸۶ تابوت قانون کار ایران و قراردادهای موقت بردوش کارگران حمل می شد، امروز همچنان این جنازه روی دست کارگران مانده است!

سال ۱۳۸۶ نیز همانند سالهای قبل، قراردادهای موقت، چه بصورت مستقیم و چه ازجانب پیمانکاران در سطح واحد های بزرگ صنعتی نظیر پالایشگاه آبادان و در سطح واحد های تولیدی و کارگاهی بخدمت گرفته شده است.

بحث های مربوط به حقوق کار:

ازجانب تعدادی از کارگران بر اثر نا آشنایی با قوانین کار، هنگام بستن قرارداد، آنچه را که کارفرمایان می خواهند، عمدتاً از احتیاج کارگران به کار، سوء استفاده کرده و هنگام استخدام، مستقیماً از خود کارگران یا ضامن شان - که بیشتر پیمانکاران - موجود هستند، سند معتبر یا کاغذ سفید امضاء می گیرند. در سال گذشته دیده شده که تعدادی از کارفرمایان با سوء استفاده از موقعیت بیکاری بسیاری از کارگران، با گذاشتن یک دوره ۲ تا ۳ ماهه ی آزمایشی، بدون پرداخت هیچ حقوقی، کارگران را به کار و می دارند، این خود کاملاً بر خلاف قانون است.

در قانون کار مصوب ۱۳۸۶ آمده است؛ که دوره ی آزمایشی، تنها دو ماه است و در این مدت حقوق کارگر نباید کم تر از حد اقل حقوق مصوب سالانه باشد. جدا از این در همین دوره ی آزمایشی، واگذاری حق بیمه، عیدی، پاداش، سنوات و مرخصی نیز به کارگران تعلق می گیرد و از نظر قانون هیچ فرقی با دیگر کارگران یا پرسنل ندارند. هر قرارداد کاری، به محض انعقاد، کلیه ی حقوق کار را برای کارگر تضمین می کند. این حقوق کار شامل حداقل دستمزد برای هر کارگر ساده است. یعنی هر قراردادی که کمتر از حداقل دستمزد در آن ذکر شده باشد، غیرقانونی است و کارگرمی تواند تمام حقوق خود را مطالبه کند، حتی اگر آن قرار داد را امضاء کرده باشد. امروز تحت هیچ شرایطی این مصوبه بخدمت گرفته نمی شود.

از سال های اولیه دهه ۷۰ یعنی با آغاز برنامه تعدیل اقتصادی توسط دولت هاشمی رفسنجانی و ادامه آن به نام های مختلف در دولت خاتمی و احمدی نژاد، و در راستای تامین امنیت سرمایه به بهای نابودی امنیت شغلی زحمتکشان، قراردادهای موقت سال به سال گسترش یافت، تا اینکه امروزه بیش از ۸۰ درصد کارگران و زحمتکشان شاغل در کارخانجات، کارگاه های تولیدی و خدماتی را کارگران قرارداد موقت تشکیل می دهند. به این ترتیب، جمهوری اسلامی در ابتدا با نفی تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب و حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی در قانون کار،

ضمانت اجرائی آنرا از بین می برد و سپس باخارج کردن کارگاههای کمتر از ده نفر از شمول قانون کار، تمامی کارگران ساختمانی و کارگاههای قالی بافی و کوره پزخانه ها و ریخته گری ها و جوشکاری ها و واحد های کارگاهی نظیر؛ مکانیکی ها و تراشکاریها ، بلورسازی ها و کارگران نفاش، خیاط ها و نانوایا ، کفاش ها و بزاز ها وسایر کارگران صنوف را با گسترش قراردادهای موقت تقریبا تا بیش از ۸۰ درصد کارگران در سطح صنایع بزرگ را از حمایت قانون کار محروم می کنند. حتی به این هم راضی نیستند و با تغییرات پیشنهادی قصد دارند همان بخش ۲۰ درصدی کارگران را هم که مشمول این قانون می شوند را به راحتی اخراج کنند و هر قراردادی را تحت عنوان " توافق کارگر" و " توافق کارفرما" به آنها تحمیل کنند و حتی با پرداخت ۷۰ درصد حداقل حقوق تحت عنوان " کارآموز" " بازآموز" آنها را به برده گی کامل بکشانند. این است مفهوم واقعی ادعایی "عدالت گستری" در رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی. قانون کار، شیرینی یال و دم و اشکمی است که در خدمت سرمایه داران و کارفرماها و علیه طبقه کارگری باشد.

در ادامه لازم است که بگوییم ؛ دولت ها از سالهای اول دهه ۷۰ به اینطرف با تفسیر جدید وزارت کار از ماده ۷ قانون کار، قراردادهای بدون تاریخ، از شمار قراردادهای دائمی و دسته جمعی کارگران خارج شدند، و بجای آن قراردادهای موقت در کشور رسمیت و عمومیت پیدا کرد. در سال های بعد مثلا تا سال ۱۳۷۳ هر قرارداد موقتی حتی یک ماهه، اگر ۴ بار تمدید می شد، حکم قرارداد دائم را داشت . در این سال قانون عالی کارفرمایان برای قانونی کردن خلافتکاری های خود، به موجب استفساریه ای، وزیر کار را به کمک طلبیده است، از آنجا که سیاست تعدیل اقتصادی نیز کاملا علیه کارگران بود، وزیر کار در پاسخ به این استفساریه ، قانون کار را لغو کرد. از آن به بعد ، حتی اگر دو بار هم قرارداد موقت میان کارگر و کارفرما بسته شود، معیار تشخیص برای هیات تشخیص وزارت کار، همان قرارداد آخری است . رجبعلی شهبواری، رییس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی سراسر کشور، در گفتگو با خبرگزاری مهر (۲۱ مرداد ۸۵) اصلاحیه قانون کار را، افزایش ۵۰ برابری اخراج کارگران ارزیابی کرده و می گوید: « طرح اصلاح قانون کار موجب اخراج دسته جمعی کارگران می شود.» وی در همین گفتگو می گوید: « کارگران قرارداد موقت در مقابل ۴۰۰ ساعت کار ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان دستمزد دریافت می کنند. در حالی که طبق قانون کار (فعلی) کارگران باید در مقابل ۱۹۰ ساعت کار ماهیانه ۱۸۰ هزار تومان دستمزد دریافت کنند.»

موجودیت چنین قانون سیاهی، هم در دوره هشت ساله خاتمی و هم پس از آغاز ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، و سیاست های اعمال شده وزیر کار کابینه او "محمدجهرمی"، بر اساس تعیین پایه حقوق متفاوت برای کارگران استخدامی و موقت بخدمت گرفته شده است. کارفرمایان برای این که بیمه کارگران را تامین نکنند، قراردادهای کوتاه تر از ۶ ماهه و ۳ ماهه و ۲۹ روزه و سفید امضاء رابه مرحله اجرا گذاشتند. شرکتهای دولتی نیز در این مورد با شرکتهای خصوصی در حال رقابت هستند. کارگران اخراجی نیز که همگی قبل از آن، بر اساس قراردادهای موقت و وجوه گوناگون آن مشغول کار بوده اند، با واگذاری واحد کاری تعطیلی کارخانه ها همگی از کار بیکار میگردند. آمارهای بیشماری در این میان موجود است. کارگران ایران، در چهارچوب همین «قراردادهای موقت و کوتاه مدت» توسط بخش خصوصی و شرکتهای دولتی به بشدت استثمار می گردند. در تمامی طول سال گذشته در معرض اخراج و تسویه شدن جای داشتند.

بر اساس آمارهای رسمی بیش از ۸۵ درصد کارگران شاغل، تحت قراردادهای موقت کار میکنند. اوج بیکارسازی ها با

بهره گیری از همین سیاست، در سراسر سال پیش و در سطوح مختلف واحد های صنعتی و تولیدی از شهرهای مختلف ایران از جمله؛ سنندج، زنجان، بجنورد، طبس، قزوین، اراک، تبریز، عسلویه و منطقه غرب تهران که بیشترین کارخانههای صنعتی استان تهران در آن قرار دارد، اعمال گردید. از غرب تهران بیش از ۳ هزار کارگر اخراج شدهاند. رجبعلی شهبواری، به ایننا گفت: «روزانه هزار کارگر قراردادی و پیمانی در استان تهران اخراج می‌شوند و متأسفانه دولت نیز از کارگران قراردادی حمایت نمی‌کند.» او افزود: «از این تعداد کارگر اخراجی، کمتر از ۲۰ درصد آنها حکم بازگشت به کار دریافت کرده و بقیه به بیکاران اجتماع اضافه می‌شوند. دولت، مقصر اصلی در معضل عدم برقراری امنیت شغلی کارگران پیمانی و قراردادی کشور است...»

بیش از هزار کارگر فنی معدن ذغال سنگ طبس نیز با پایان قرارداد کاری اخراج شدند. عیدعلی کریمی، یکی از دستاوردکاران خانه کارگر در منطقه شهر صنعتی قزوین از اخراج ۳۰ هزار کارگر در این شهر خبر داده و به‌سایت دسترنج گفته است: «بیش از ۵۰ درصد از کارگران قراردادی استان قزوین بدون دریافت حقوق، سنوات، عیدی و پاداش، با اتمام قرارداد کاری خود بیکار شدند تا در صورت تمایل کارفرمایان و مالکان واحدهای تولیدی، در نیمه دوم فروردین ماه به کار گرفته شوند.» به گفته کریمی، «انعقاد قراردادهای ۲ ماه و ۶ ماهه با کارگران باعث شده تا خیل عظیم کارگران این استان نتوانند در صورت اخراج از بیمه بیکاری استفاده کنند.» و فراتر از این‌ها شهرستان‌های رشت، تبریز و زنجان را در بر می‌گیرد. مرتضی ریحانیان، از دستاوردکاران خانه کارگر در زنجان، ضمن اعلام این که ۴۷ هزار کارگر در زنجان مشغول به کار هستند، به "سایت دسترنج"، گفت: «از این میان ۸۰ درصد آنان را کارگرانی با قراردادهای موقت تشکیل می‌دهند.» او گفت: «سال گذشته نیز در روزهای پایانی سال قرارداد تعداد کثیری از کارگران تمام شد و آنان از مزایای کامل آخر سال و همچنین مرخصی‌های با حقوق ایام عید محروم شدند و پس از عید تنها ۶۷ درصد آنان توانستند، قرارداد خود را تمدید کنند و باقی برای همیشه اخراج شدند.»

در تمامی سال گذشته در مقابل افزایش مشاغل قراردادی و شرکت‌های پیمانکاری که در رابطه تنگاتنگ با کارفرماها عمل می‌کردند، کارگران وجود شرکت‌های پیمانی را یک معضل اساسی در برابر خود دانسته و وزارت کار را موظف می‌شمردند که می‌بایست با حذف آنها از سرنوشت کارگران، موجبات تضمین امنیت شغلی کارگران قراردادی، بویژه در رابطه با دریافت حقوق‌ها از کارفرمایان تضمین نمایند.

کارگران ایران، در مقابل وحشیگریهای بیمانند حکومت حامی سرمایه و خودسرمایه داران غارتگر، ساکت ننشسته و به عناوین مختلف مبارزه طبقاتی خود را گسترش می‌دهند. در سال گذشته، صدها اعتصاب کارگری در ایران به وقوع پیوسته که اخبار بخش وسیعی از آنان - علیرغم جوسانسور و اختناق حاکم بر فضای مطبوعات و رسانه‌های خبری ایران- انعکاس یافته است.

شرکت‌های پیمانکاری و نقش آنان در قراردادهای موقت کار:

دولت اسلامی ایران و کارفرمایان کشور، برای سلب مسئولیت از خود، با باز گذاشتن دست شرکت‌های پیمانکاران و دعوت آنان، برای حضور در مسابقه مناقصه‌های ارزان قیمت، تامین نیروی انسانی لازم خود را بشکل بردگی کار، فراهم می‌آورد و کارگران قراردادی را بخدمت می‌گیرند. این شرکت‌ها در سطح صنایع بزرگ (پالایشگاه نفت)، بخش خدمات (شهرداری‌ها) و غیره بکار مشغولند. "مصطفی نظری"، در گفت و گو با خبرنگار گروه کارگری ایننا،

گفت: « حدود ۲۰۰ شرکت پیمانکار تامین نیروی انسانی در پالایشگاه نفت آبادان در جذب نیروی کار قراردادی فعالیت دارند و متأسفانه حق و حقوق قانونی کارگران را به طور کامل پرداخت نمی‌کنند و پس از سه یا چهار ماه استفاده از کارگران، دست به اخراج شان می‌زنند.» وی اضافه کرد: «... کارگران قراردادی پالایشگاه نفت آبادان از دریافت حداقل حقوق کار محروم هستند.» در همین رابطه شاپور مرحبا به خبرگزاری کار ایران - ایلنا گفت: «... در حال حاضر پیمانکاری در وزارت نفت بیداد می‌کند، دولت یک پمپ بنزین می‌سازد و بلافاصله آن را به پیمانکار می‌دهد، اما پس از پایان دوره پیمان، این پیمانکار می‌رود و پیمانکار بعدی کارگران موجود را اخراج و افراد باب میل خودش را با دستمزدی پایین جایگزین می‌کند که این تغییرات باعث تنش‌های جدی در عرصه روابط کار شده و این معضل به اشکال دیگر در سایر نهادها و وزارتخانه‌ها وجود دارد.» و باز رجبعلی شهبواری رییس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی سراسر کشور، در رابطه با نقش دولت و بی‌وظیفه بودن آن در امر دفاع از موجودیت کارگران کشور، به ایلنا می‌گوید: « دولت ... در اثر به کارگیری شرکت‌های پیمانکاری و خدماتی که با کمترین قیمت پیشنهادی در مناقصه شرکت می‌کنند. کارگران کشور را به دست قانون‌شکنان سودجو می‌سپارد.» و این بی‌توجهی در سطوح مختلف واحدهای کارگری کشور جاری و ساری است.

در این میان هم وزیر کار دولت احمدی نژاد و هم مجلس اسلامی، مواضع همسانی در برابر رفع مشکل کارگران قراردادی از خود نشان داده‌اند. در ابتداء روی کار آمدن وزیر کار، خبرگزاری ایسنا در تاریخ ۵ تیر ۸۵ سخنان وزیر کار محمد چهرمی در اولین همایش ملی مدیریت و راهبری سازمانی را اینگونه اعلام کرد: «در هیچ کشوری نمی‌توان قانون قراردادهای موقت را تغییر داد ما نیز بر اساس شرایط اقتصادی و ماهیت برخی کارها که موقت هستند، نمی‌توانیم این تغییرات را به طور کلی اعمال کنیم.» همین وزیر، در سومین همایش مدیران، معاونان و روسای روابط کار سراسر کشور در مورد مسائل روابط کار در واحدهای اقتصادی در تاریخ ۲۶ بهمن ۸۶، گفت: «... نمی‌توان با قانون و تکلیف، موضوع قرار دادهای موقت را حل کرد، بلکه وقتی کارگری آموزش مهارت، کسب کند برای کارفرما به صرفه است که در حفظ آن کارگر در آن واحد اقتصادی کوشا باشد...» همین حد گواه این است که وزیر کار، نگران وضعیت کارفرمایان است و اینکه بر زندگی کارگران چه می‌گذرد، کمترین دغدغه‌ای بر خود راه نمی‌دهد. اما مجلس اسلامی نیز در سال گذشته چشم خود را فرو بست و تعیین تکلیف نسبت به وضعیت کارگران و کارکنان قراردادی را بی‌پاسخ گذاشت.

خبرگزاری ایسنا، در تاریخ دی ۱۳۸۶، طی گزارشی اعلام کرد: «طرح دو فوریتی قانون تعیین تکلیف کارگران و کارکنان قراردادی با سابقه ۱۰ سال کار تقدیم هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی شد.» در ادامه گزارش آمده است: « نمایندگان مجلس با دو فوریت طرح تعیین تکلیف کارگران و کارکنان قراردادی با بیش از ۱۰ سال سابقه کار با ۷۶ رای موافق، ۴ رای مخالف و ۳ رای ممتنع و یک فوریت آن با ۷۹ رای موافق، ۳۶ رای مخالف و ۱۵ رای ممتنع موافقت نکردند.» یعنی اینکه مجلس هفتم به این طرح واکنش قابل پیش بینی و پر معنایی نشان داد، به این ترتیب که حتی به یک فوریت طرح مذکور رای مثبت داده نشد.

عوارض حاصل از قراردادهای موقت کار در سطح خانواده‌ها و جامعه:

کارفرمایان در سطح صنایع گوناگون کشور، سیاست‌های چند گانه‌ای را در رابطه با عدم تمدید قراردادها به بهانه

های مختلف در دستور کار خود دارند. در صنایع نساجی و آنچه در سطح نیشکر، فرش البرز و شرکت های مشابه شاهدش بودیم، به این شکل بازتاب یافته است:

کارفرمایان، با عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران، مداوماً با تحمیل یک مبارزه فرسایشی بر آنان تلاش مینمایند که کارگران را بگونه ای مستأصل نمایند که کارگران، بتدریج به عدم تمدید قرارداد، بازخرید و بازنشستگی پیش از موعد تن دردهند.

کارفرمایان تلاش میکنند که باعمده کردن مسئله بحران در اینگونه مراکز و طرح آن در میان کارگران- باهدف ایجاد نومیثی در میان کارگران به لحاظ سرپاماندن کارخانه - بخشی از کارگران را برای بازخرید و یا بازنشستگی پیش از موعد قانع نمایند.

کارفرمایان، در صورت اعتراض کارگران، با شناسایی فعالان و سخنگویان، تهدید، اخراج و یا منفعل کردن و یا دستگیری آندسته از کارگرانی که به عنوان نماینده و... که در جلوی صف اعتراضات کارگران قرار داشته و دارند، به جدایی صفوف آنان از هم می اندیشند. در کنار بی توجهی مسوولان، کارگران قراردادی کشور که محکوم به دل نگرانی و گذشت از حقوق مسلم شغلی خود هستند، همچنان در آینده سیاه خود، قوانین کار و مجریان آن را جستجو می کنند. در پایان این نوشته از قول، سایت انجمن دفاع از کارگران و بیکاران، این نوشته گواه این واقعیت است که کارگران از قبل وجودی این نظام، جز تباهی و خانه خرابی هیچ نصیب نمی برند.

« کارگری می گوید: ما در شرکت ” میماس “ در جاده قدیم کرج کیلومتر ۹ هستیم. من يك کارگر از ۳۱۶ نیروی کار این شرکت هستم که فقط ۵۶ نفرمان رسمی و بقیه قراردادی هستیم. در حالی که در گذشته اصلاً بحثی به نام کارگر قراردادی نداشتیم. الان این ۵۶ نفر رسمی هم هر روز امکان قراردادی شدن شان هست. صاحبان شرکت به پشت گرمی سیاست های وزارت کار حکومت، دنبال بهانه ای هستند که این ها را هم قراردادی کنند. با این وضعیت، امنیت شغلی کارگر زیر سؤال است. چون واقعا در همه کارخانه ها و شرکت ها با کارگر قراردادی مثل برده برخورد می شود. قراردادهای بعضاً يك ماهه، دوماه یا سه ماه است. يك برگ سفید جلوی ما می گذارند و می گویند امضا کن. هیچ چهارچوب رسمی وجود ندارد. کارفرما هر موقع دلش بخواهد این قراردادی ها را بیرون می کند. هیچ مزایایی هم بع آنها تعلق نمی گیرد. فقط ما هم نیستیم. الان در کل جامعه همین طور است. بروید بررسی کنید تمام جامعه کارگری با این معضل روبرو است. بسیاری از شرکت ها به درد ما مبتلا هستند هیچ نظارت و کنترلی از طرف دولت یا موسسه ای یا تشکل کارگری بر این کار وجود ندارد.

در نظر بگیریید که الان ۶۰ درصد کارگران حتی رسمی در شرکت میماس از خودشان مسکن ندارند و اجاره نشین هستند. طرح ۹۰ ساله هم که واقعا مضحك است. از طرفی شاهد هستیم حتی به طور رسمی در طول سال، دوبار قیمت ها افزایش پیدا کرده است. حال غیر رسمی دیگر همه میدانیم که، افزایش قیمت ها بعضاً ماهی يك بار حتی بعضاً هفته ای است. و این در حالی است که حقوق کارگر ثابت میماند.

شورای اسلامی ها تشکل هایی هستند که توسط حکومت به ما تحمیل میشوند و در چهارچوب رسمی کار می کنند، اما حتی در شرکت ما شورای اسلامی کار را هم نگذاشته اند پا بگیرد. ما سالیان است که حتی شورای اسلامی کار هم نداریم. آنها می گویند که قراردادی ها حق رای ندارند و رسمی ها راهم به شدت زیر نظر دارند و کنترل می کنند که اسم

شورای اسلامی کار را نیاوردن چه برسد به تشکل مستقل و غیروابسته کارگری، که اصلا اسمش را هم نمی شود آورد. خوب وقتی تشکل کارگری نباشد، حکومت هم که خودش ضد کارگر باشد، نتیجه اش همین می شود. به عنوان نمونه به ظاهر این برگه ای که از ما قراردادی ها می گیرند در ۴ نسخه نوشته می شود، اما به جایی داده نمی شود. هیچ کس نمی آید نظارت کند که این چه وضعی است. کارگر هم کاری نمی تواند بکند. چون در جامعه که کاری نیست و واقعا نان بخور و نمیر خودش و خانواده اش در گرو هر یک روز کارش است. لذا کارگر مجبور است که تن به این طور وضعیتی بدهد و برگه سفید را با این شرایط امضا کند.

درد زیاد است اگر قرار باشد ما کارگران از دردهایمان بگوییم، روزها می توانیم حرف بزنیم. در شرکت میماس در تهران و در کل جامعه کارگری، استرس کار به قدری بالاست، که کارگر نمی داند فردایش چه میشود؟ کارگر نمی داند که آینده اش چیست؟ امروز را کار دارد اما نمی داند که فردا چه میشود...» با اینهمه در وضعیت آشفته فعلی که حق صدها و هزاران هزار کارگر قراردادی آشکارا تضییع می شود. سازمانیابی تشکل مستقل صنفی کارگران قراردادی در واحدهای تولیدی و صنعتی، کارگاه های کوچک و بزرگ، و تحرکات سراسری آنان در پیوند با سایر جنبش های اجتماعی کارگران، زنان، دانشجویان، ضرورتی انکار ناپذیر است و این تشکل ها با مکانیزم استقلال عمل خود، می توانند از تمامیت حقوق کارگران قراردادی دفاع کنند.

امیر جواهری لنگرودی

amirjavaheri@yahoo.com

ماه مه ۲۰۰۸